

تفاوت اساسی دیوان با شورای دولتی فرانسه در این است که برخلاف دیوان، شورا دارای صلاحیت مشورتی است اما دیوان در مقام مششورت نبوده و به عنوان نهاد ناظر عمل می‌کند.

کارمندان دستگاه‌های اجرائی می‌توانند در طول مدت خدمت خود با موافقت دستگاه ذی‌ربط حداکثر سه سال از مرخصی بدون حقوق استفاده نمایند و در صورتی که کسب مرخصی برای ادامه تحصیلات عالی تخصصی در رشته مربوط به شغل کارمندان باشد، تا مدت دو سال قابل افزایش خواهد بود. کارمندان زن که همسر آنها در مأموریت بسر می‌برند می‌توانند تا پایان مأموریت حداکثر به مدت شش سال از مرخصی بدون حقوق استفاده نمایند.

مدت مرخصی بدون حقوق از لحاظ بازنشستگی جزو سوابق خدمت محسوب نخواهد شد. حفظ پست ثابت سازمانی مستخدمی که از مرخصی بدون حقوق استفاده می‌کند الزامی نیست. و بعد از پایان مرخصی، اگر پست سازمانی برای او وجود نداشته باشد به حالت آماده به خدمت درمی‌آید.

می‌تواند در ضمن اجرای پیمان حجم کار و یا مقدار کالای مورد معامله را تغییر دهد و آن را مطابق آیین‌نامه تا حدود ۲۵٪ کسر یا اضافه کند. این اختیار در تمام قراردادهای برای اداره وجود دارد و منشأ این اختیار مصالح و مقتضیات اداره‌ی امور عمومی است و دولت نمی‌تواند این حق را از خود سلب کند و قید چنین شرطی در قرارداد باطل خواهد بود با این حال اداره حق ندارد سایر شروط و مقررات پیمان از قبیل قیمت کالا و اجرت کار را بدون موافقت پیمانکار تغییر دهد.

چنانچه تغییرات مربوط به مقدار و میزان معامله نباشد یا از حدود ۲۵٪ از میزان کار یا جنس موضوع معامله تجاوز کند، پیمانکار می‌تواند از انجام دادن آن خودداری ورزد و تقاضای فسخ قرارداد را بکند.

سازمانها، ادارات، هیأتها و مأموران طرف شکایت پس از صدور و ابلاغ دستور موقت، مکلفند طبق آن اقدام نمایند و در صورت استنکاف، شعبه صادرکننده دستور موقت، متخلف را به انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید. (ماده ۳۹ قانون دیوان عالی اداری)

نظارت قیمومتی

نظارتی که از سوی قوه‌ی مرکزی به واحدهای غیرمتمرکز اعمال می‌گردد نظارت خفیف و تحت عنوان نظارت قیمومت اداری است و مبتنی بر نظام هماهنگی است و روابط حاکم عرضی یا افقی است. و نظارت از نوع قیمومت اداری به منزله‌ی وثیقه و تأمینی است که دولت مرکزی در مقابل آزادی واحدهای غیر متمرکز در دست دارد و برای تأمین اجرای قوانین و مقررات در کشور است و میزان این نظارت فقط در صلاحیت قانون‌گذار است.

نظارت سازمان مرکزی صرفاً بر اعمال حقوقی واحد غیرمتمرکز صورت می‌گیرد.

واحد غیرمتمرکز حق شکایت بسیار وسیعی علیه سازمان مرکزی دارد.

بر اساس ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها

ب - تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداریها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی

تبصره ۱ - تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف با دادگاه عمومی است.

تبصره ۲ - تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی باشد.

در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر و یا تغییر قانون نباشد تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهوری اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا می‌باشد.

بر اساس ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری امور حاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.

از قبیل:

- الف- سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.
- ب- برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد.
- ج- ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم.
- د- فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.
- هـ- قانونگذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضائی.
- و- حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی.
- ز- ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.
- ح- اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی.
- ط- حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.
- ی- تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.
- ک- ارتقاء بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماریها و آفتهای واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحرانهای عمومی.
- ل- بخشی از امور مندرج در مواد(۹)، (۱۰) و (۱۱) این قانون نظیر موارد مذکور در اصول بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی که انجام آن توسط بخش خصوصی و تعاونی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی با تأیید هیأت وزیران امکانپذیر نمی‌باشد.
- م- سایر مواردی که با رعایت سیاستهای کلی مصوب مقام معظم رهبری به موجب قانون اساسی در قوانین عادی جزء این امور قرار می‌گیرد.

2-165

حفظ پست ثابت سازمانی مستخدمی که از مرخصی بدون حقوق استفاده می‌کند الزامی نیست. و بعد از پایان مرخصی، اگر پست سازمانی برای او وجود نداشته باشد به حالت آماده به خدمت درمی‌آید ولی حفظ پست ثابت سازمانی مستخدمی که در حال استفاده از مرخصی استحقاقی است الزامی است و در این مدت رئیس اداره وظایف او را به مستخدم یا مستخدمین دیگر محول می‌کند.

1-166

دادرسی اداری به صورت تفتیشی، غیرعلنی و مکتوب است.

4-167

تمرکز اداری

تمرکز اداری تمرکز اداری نوعی اداره کردن امور تحت یک فرماندهی است و امور کشور از یک مرکز توسط وزیران که مقامات عالی تصمیم گیرنده در دستگاه دولت هستند و معمولاً در پایتخت مستقرند اداره می شود. نحوه توزیع قدرت در داخل دولت متمرکز به گونه ای است که کلیه اختیارات و صلاحیت های سیاسی و اجرایی در اختیار دولت مرکزی قرار گیرد و دیگر واحدهای اداری از آزادی عمل و اختیار تصمیم گیری برخوردار نیستند. اختیار تصمیم گیری و اختیار اجرایی در مرکز است و مأموران اجرا کاملاً تابع قوهی مرکزی می باشند و به وسیلهی او نصب و عزل می شوند یعنی مأموران انتصابی هستند نه انتخابی. تمام سازمان های اداری حکم واحدی دارند و شبکه واحدی محسوب می گردند و همه در مجموع یک شخصیت حقوقی را تشکیل می دهند.

سیستم عدم تراکم

نوعی تمرکز اداری است که در آن برخی از اختیارات تصمیم گیری و ستادی به مقامات قوهی مرکزی در شهرستانها داده می شود و هدف از آن حذف تشریفات زاید و رفع تراکم در مرکز و تأمین حسن ادارهی امور و سرعت عمل در کارهاست. در این سیستم اعطا و واگذاری اختیارات به نفع مأموران دولت مرکزی به عمل می آید نه مقامات دیگر. عزل و نصب آنها به عهدهی مرکز است و اعمال آنها تحت نظارت دائمی است.

1-168

دبیر هیأت دولت با حمزکم معاون اول رییس جمهور انتخاب می شود.

3-169

4-170